

فایل های

PDF

اسناد ارائه شده ی

حجت الاسلام استاد شمشیری

درباره ی ناگفته های ادیان

قسمت های ۱ و ۲



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad



انجمن نجات از حلقه

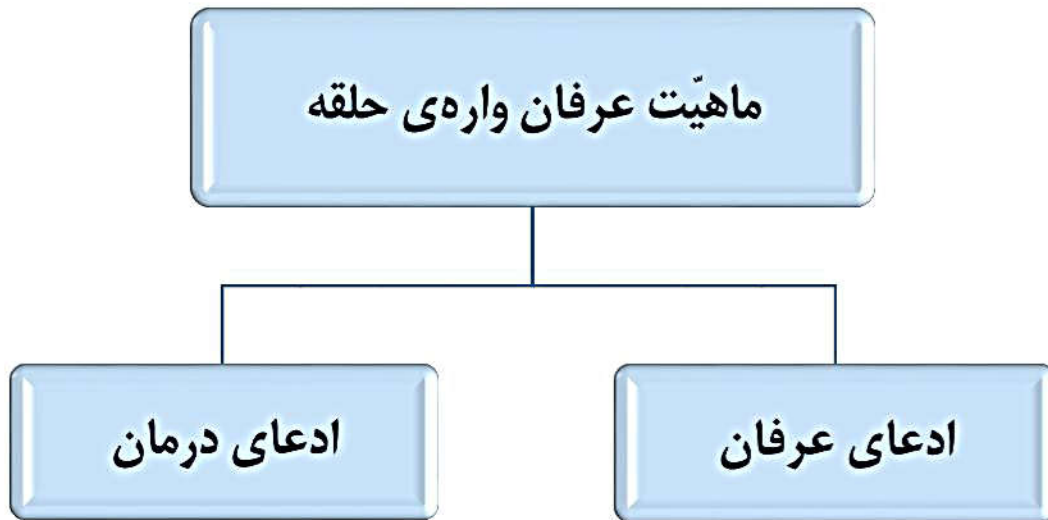
www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



ایمان و اعتقاد نسبت به فرادرمائی برای حضور در حلقه به هیچ وجه لازم نیست. با توضیح فوق مشخص می‌شود که درمان به انرژی و مهارت فرادرمانگر بستگی نداشته، نیازی به داشتن استعداد، قدرت و انرژی خاصی نیست، بلکه توسط هوشی بسیار برتر، هدایت و رهبری می‌شود و قابلیت‌های فردی تأثیری در انجام درمان ندارد؛ در نتیجه درمانگر نیز دچار هیچ نوع عارضه‌ای مانند خستگی و تحلیل جسمی نشده و نیازی به جبران انرژی از طبیعت و غیره را نخواهد داشت. در ضمن، وجود لایه‌ی محافظ، درمانگر را از خطر «تشعشع شعور معیوب سلولی» و سایر تشعشعات منفی بیمار و موجودات غیرارگانیک محافظت می‌کند.

درمان برای بیمار به عنوان یک حرکت عرفانی برای متحول کردن او به کار گرفته می‌شود، زیرا در این مکتب شفای جسم بدون تحولات مثبت درونی، فاقد ارزش‌های لازم است و اتصال بیمار به شبکه‌ی شعور الهی، توجه او را به منبعی هوشمند جلب کرده و زمینه‌ی ایجاد تحولات درونی را برای او فراهم می‌کند.

ساقیا بده جامی، زان شراب روحانی

تا دمی بیاسایم، زین حجاب جسمانی

(شیخ بهایی)

• نکته‌ی خیلی مهم: سن، جنسیت، میزان تحصیلات، مطالعات، معلومات، تعالیم و تجارب عرفانی و فکری مختلف، استعداد و لیاقت‌های فردی و... همچنین نحوه و نوع تغذیه، ورزش، ریاضت و... هیچ‌گونه تأثیری در کار با شبکه‌ی شعور کیهانی ندارند، زیرا این اتصال و برخورداری از مدد آن، فیض و رحمت‌عام الهی بوده که بدون استثنا شامل حال همگان است.

بیا که دوش به مستی، سروش عالم غیب

توید داد که عام است، فیض رحمت او

(حافظ)



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



گر سر فرعون را، درد بدی و بلا

لاف خدایی کجا، در دهدی آن عنود

(مولانا)

در این صورت به خوبی می‌توانیم بفهمیم که درمان بیماری‌ها راه نجات و رهایی انسان سرگشته نیست و او به چیزی فراتر از درمان نیاز دارد؛ عاملی که بتواند باعث تحول او شده و او را از دست خویشتن نجات دهد، تحولی مثبت به سوی کمال؛ و بدون چنین تحولی، انسان همواره در فلاکت به سر خواهد برد.

در راستای تحقق چنین آرمانی، ما با نگرشی نو به انسان و مشکلات او نگاه می‌کنیم و هر راه‌حلی را در جهت تحول او مورد بررسی و پی‌گیری قرار داده و درمی‌یابیم که خارج از این دیدگاه، راه‌حل‌ها تأثیر چندانی در ایجاد تحولی مثبت نخواهند داشت.

بنابراین، درمان از دید این مکتب، فقط وسیله‌ای است برای ایجاد تحول در بیمار و درمانگر.

مکتب عرفانی «فراهرمانی» به‌عنوان راهی در جهت رسیدن به اهداف متعالی است تا ضمن تحقق بخشیدن به امر درمان، زمینه‌ی ایجاد تحول فکری و بینشی را برای انسان فراهم کند. شیوه‌ای که در ضمن درمان بیمار، توجه او را به یک مبدأ هوشمند و یک شعور لایزال جلب کرده تا این عمل، زمینه ساز ایجاد تحولی تعالی بخش شود و مشکل انسان، عدم آشنایی عملی با چنین متبعی بوده است.

فراهرمانی می‌تواند چنین روندی را برای بیمار فراهم کند تا با مشاهده‌ی روند هوشمندانه درمان خود که بدون دخالت هیچ‌گونه عامل مادی و یا کاری که منتسب و مربوط به مهارت‌ها و علم و دانش انسان باشد؛ او بتواند



تجمع نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

روشن بنگر که آفتاب است آن نور که خوانیش به مهتاب
(شاه نعمت‌الله)

مستیم و خراب، در خرابات این مست خوش خراب، دریاب
آینه به نور اوست روشن مه بنگر و آفتاب دریاب
(شاه نعمت‌الله)

2) تسلیم شدن و خود را سپردن و دست برداشتن از تلاش و تقلا در موارد معنوی و آسمانی، در حلقه‌های رحمت‌ت.

به سعی خود نتوان برد، پی به گوهر مقصود
خیال باشد کاین کار، بی‌حواله برآید
(حافظ)

در ضمن برای انجام فرادرمائی نیازی به نیت کردن نیست.
جام جهان نمانست، ضمیر منیر دوست
اظهار احتیاج خود آنجا، چه حاجت است
(حافظ)

قانون کار آسمانی: تسلیم
قانون کار زمینی: تلاش و مجاهدت
«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: 39)
«وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ...» (مائدة: 35)
«... وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه: 41)

پس فرادرمائی ضمن فراهم کردن امکان درمان، ما را به خداشناسی عملی نیز رهنمون می‌شود و به‌عنوان وسیله‌ی مؤثری در این رابطه به کار می‌آید.



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

آن را تمیم به عام داده‌ایم و به طور مطلق قضاوت و از ادامه دوستی و معاشرت با آن‌ها خودداری کرده‌ایم. یعنی به یک باره نظرم‌ان عوض شده است؛ آن‌ها را کنار گذاشته‌ایم و در نتیجه، از وحدت جدا و دچار کثرت شده‌ایم.

در حالی که:

هر گلی، علت و عیبی دارد گل بی‌علت و بی‌عیب خداست

(پروین اعتصامی)

در «دیدگاه نسبیستی» که به همه چیز به صورت نسبی نگاه می‌شود؛ نه مطلق، انسان به دنبال خوبی مطلق و بدون عیب و ایراد نیست و این نکته را درباره دیگران می‌پذیرد که همان طور که خوبی‌ها و محاسنی دارند، ممکن است عیب‌هایی هم داشته باشند و این یک امر کاملاً طبیعی است.

البته، این بدان معنا نیست که وجود عیب مورد تأیید باشد. به طور مسلم، لازم است در جهت رفع معایب اقدام شود. اما در عمل و در واقعیت هنوز انسان‌ها از خود رفتارهای نامعقول و ناصحیحی نشان می‌دهند که اگر قرار باشد محاسن آن‌ها در کنار آن دیده نشود و مورد اغماض قرار نگیرد، امکان هیچ گونه معاشرتی وجود ندارد و لازم می‌شود که همه افراد به اجبار به انزوا پناه برند و در این صورت، هیچ دو نفری قادر به زندگی با یکدیگر نخواهند بود.

این مصداق کامل عالم کثرت است که در آن هیچ دو انسانی نمی‌توانند یکدیگر را تحمل کنند. اما درک «دیدگاه نسبیستی» کمک می‌کند که دچار کثرت نشویم و تبعات ناشی از بینش غلط «مطلق‌بینی» را که برای ما بیماری و ضرر و زیان‌های مادی و معنوی به همراه دارد، نداشته باشیم؛ با اولین عیبی که برخورد می‌کنیم، همه حسن‌ها را نادیده بگیریم و به دلیل دیدگاه «مطلق‌بین» خود دچار کثرت و بیماری نشویم.

اصل مسلمی که وجود دارد، این است که هیچ چیزی در خلقت بی‌دلیل و بی‌فایده خلق نشده است



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



انسان از منظر دیگر، ص ۲۱، نشر نیوز
@Halghe_Asnad
Aparat.com/Halghe_Asnad

فصل اول

عرفان کیهانی (حلقه)

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

(سعدی)

عرفان کیهانی (حلقه)، نگرشی است عرفانی که با چارچوب عرفان این مرز و بوم مطابقت دارد. اساس این عرفان بر اتصال به حلقه‌های متعدد «شبکه‌ی شعور کیهانی» استوار است و همه‌ی مسیر سیر وسلوک آن، از طریق اتصال به این حلقه‌ها صورت می‌گیرد. فیض الهی به صورت‌های مختلف در حلقه‌های گوناگون جاری بوده که در واقع همان حلقه‌های رحمت‌عام الهی است که می‌تواند مورد بهره‌برداری عملی قرار گیرد. از آن‌جا که اتصال نمی‌تواند بر اساس تکنیک و فن و روش حاصل شود؛ لذا در این شاخه نیز هیچ‌گونه فن و روش، تکنیک و... وجود نداشته و در آن توان‌های فردی هیچ جایگاهی ندارد.

محورهای اصلی عرفان کیهانی (حلقه) عبارت است از:



تجمع نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

است که فقط عده‌ای از انسان‌ها نیاز به رشد و تعالی دارند و یا دارای این امکان هستند؛ در حالی که چنین چیزی عدالت و حکمت خداوند را نقض می‌کند. به عبارت دیگر، هم با سنجش عقلاانه و هم با نگرش عاشقانه معلوم می‌شود که حرکت عرفانی، حرکتی انسان‌شمول است و بی‌نصیب ماندن از آن، در اثر نا‌آشنایی و کوتاهی است؛ نه به دلیل امکان‌ناپذیری آن. بر همین اساس، هر کسی می‌تواند در عمل، تجربه‌پذیری عرفان را مورد ارزیابی قرار دهد و به این حقیقت دست یابد که ارتباط با کل، نه تنها نیازی عمومی، بلکه راهکاری همگانی برای تعالی انسان است.

۳- اساس حرکت عرفانی

به دلیل این که بدون لطف و عنایت الهی نمی‌توان طریقت عرفانی را پیمود، در هر قدم از این مسیر، نیاز به ارتباط با خداوند وجود دارد. از این رو، یکی از بزرگ‌ترین پیام‌های ادیان توحیدی، برقراری ارتباط با خداوند است تا زمینه‌ی دریافت آگاهی مهیا شده، بر اساس درک فلسفه‌ی خلقت، حرکت انسان در زندگی ارزشمند شود.

به عبارت دیگر، اساس حرکت عرفانی، اتصال و ارتباط با خداوند است. این ارتباط بر پله‌ی عشق تحقق می‌یابد و به همین دلیل، نمی‌توان کیفیت آن را تعریف کرد و فقط به همین اندازه می‌توان در معرفی آن سخن گفت که این اتصال و ارتباط، رابطه‌ی مستقیمی بین انسان و خداوند است که میل انسان در برقراری آن نقش دارد؛ اما نتیجه‌ی الهی آن (که با تحقق این ارتباط صورت می‌گیرد) چندان قابل پیش‌بینی نیست.



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

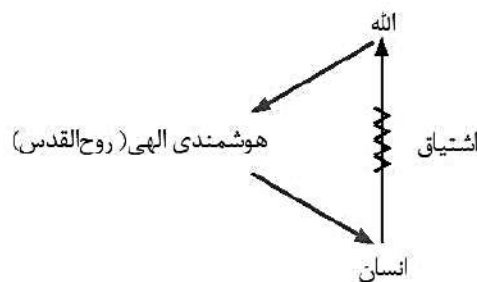
@Nejat_az_Halghe

خداوند، بر مبنای رحمت خود و از طریق روح القدس، فرد متصل را از نتیجه‌ی اتصال با خود بهره‌مند می‌کند. اتصال و ارتباط با خداوند، به دو نوع فردی و جمعی شکل می‌گیرد؛ اما تفاوت این دو نوع اتصال، فقط در شرایطی است که برای تحقق هر کدام از آن‌ها لازم است؛ نه در نتیجه‌ی آن‌ها.

الف) انواع ارتباط با خدا

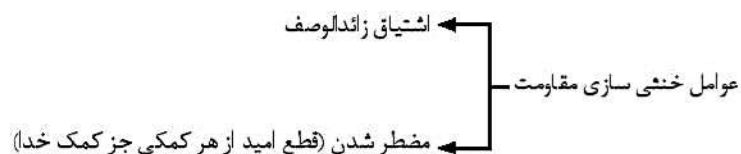
اتصال فردی

اتصال فردی، رابطه‌ای مستقیم و بی‌واسطه بین بنده و خداوند است که فقط با اضطرار و اشتیاقی زایدالوصف برقرار می‌شود.



(شکل ۸-۲)

در واقع، در برقراری این اتصال مقاومتی وجود دارد که غلبه بر آن، نیازمند اشتیاق فراوان، مضطر شدن و یا هر دو عامل است.



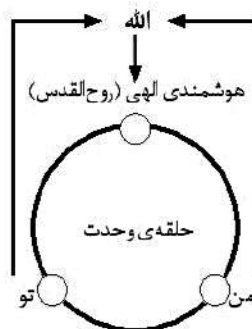


@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

۳- روزی آسمانی، برای کسی که آن را اتفاق می‌کند، افزایش می‌یابد.
۴- شبکه‌ی مثبت که عامل جریان روزی های آسمانی است، مشوق اتفاق آنها نیز هست؛ اما برای مبادرت به این اتفاق، بررسی آمادگی افراد نسبت به پذیرش روزی آسمانی ضرورت دارد. (زیرا ممکن است زمینه‌ی فرهنگی مناسبی برای چنین اتفاقی وجود نداشته باشد).

به طور خلاصه، اتفاق صاحب‌روزی اتصال و ارتباط با خدا و وحدت او با فرد دیگر، رکن اساسی برقراری اتصال جمعی است. هر اتصال جمعی با وحدت حداقل دو نفر (ارتباط گیرنده و ارتباط دهنده) برقرار شده، با حضور عضو سوم (هوشمندی الهی) که به‌عنوان مأمور جاری کردن روزی آسمانی ایفای نقش می‌کند، حلقه‌ای را تشکیل می‌دهد که «حلقه‌ی وحدت» نام می‌گیرد. وجود هر حلقه‌ی وحدتی نشانه‌ی برقراری ارتباط با خداوند است و خداوند که خود این تسهیلات رحمانی را برای کمال انسان قرار داده است و این ارتباط را به نتیجه می‌رساند، عضو اصلی این جمع به شمار می‌رود.



(شکل ۹-۳)



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

۱۰ اصل

برای بهره‌برداری از عرفان عملی در عرفان حلقه، نیاز به ایجاد اتصال به حلقه‌های متعدد شبکه شعور الهی می‌باشد و این اتصالات، اصل لاینفک این شاخه عرفانی است. جهت تحقق بخشیدن به هر مبحث در عرفان عملی، نیاز به حلقه خاص و حفاظ‌های خاص آن حلقه می‌باشد. اتصال به دو دسته کاربران و مربیان ارائه می‌شود، که تفویضی بوده، در قبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوطه، به آنان تفویض می‌گردد. تفویض‌ها، توسط مرکزیت که کنترل و هدایت‌کننده جریان عرفان حلقه می‌باشد، انجام می‌گیرد.



انجمن نجات از حلقه

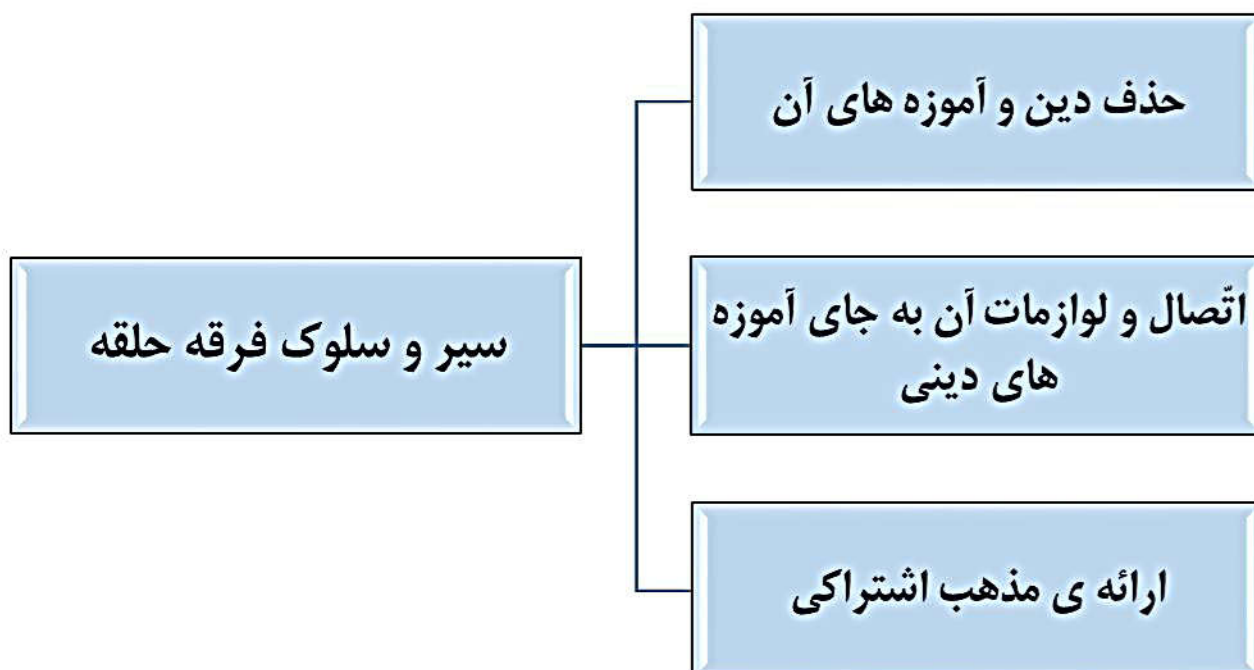
www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

عرفان حلقه

۲۰

بخش عمومی اسانامه عرفان حلقه

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
سدی

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آل عمران- ۱۰۳)

عرفان حلقه (کیهانی) نوعی سیر و سلوک عرفانی است،
که مباحث عرفانی را مورد بررسی نظری و عملی قرار
می دهد؛ و از آنجا که انسان شمول است، همه انسانها
صرف نظر از نژاد، ملیت، دین، مذهب و عقاید شخصی،
می توانند جنبه نظری آن را پذیرفته و جنبه عملی آن را
مورد تجربه و استفاده قرار دهند.



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

عرفان حلقه

۵۰

۱۰ اصل

در عرفان حلقه، عوامل انسانی، خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توانهای فردی و ... نقشی در ایجاد اتصال و دریافتهای ماورائی ندارند. عواملی مانند:

– سن، استعداد، سواد، معلومات، نوع تفکرات و اعتقادات و ...

– ریاضیات، ورزش، نوع تغذیه و ...

– سعی، کوشش، تلاش، آوازه، تقلا و ...

– تخیل و تصور و تجسم و ذکر و مانترا، نماد و سمبل، تلقین و تکرار، تمرکز و ...

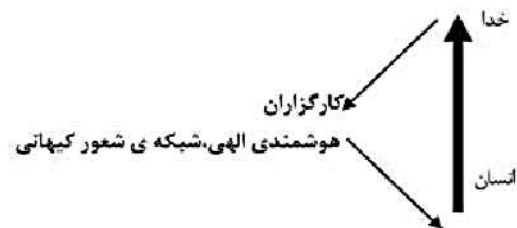
– علم اعداد، موقعیت ستارگان، ماه تولد و ...



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



در مسایل آسمانی (معنوی)، تسلیم و در مسایل زمینی (دنیوی) تلاش عوامل تعیین‌کننده‌ای هستند. مسایل زمینی خود نیز تابع جبر و اختیار می‌باشند. به‌طور کلی، جبر عاملی است که جهان دوقطبی را غیرقابل محاسبه کرده و به فلسفه‌ی حرکت انسان معنا داده است. در غیراین‌صورت همه‌ی اتفاقات قابل محاسبه و پیش‌بینی می‌شد و دیگر نیازی به تصمیم‌گیری و اختیار انسان نبود. لذا حرکت انسان به‌طور کامل بی‌معنی شده و فلسفه‌ی خلقت انسان پوچ و بیهوده می‌شد.

در عرفان‌حلقه، عوامل انسانی، کلیه‌ی خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توان‌های فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریفت‌های ماورایی ندارند. بنابراین موارد زیر هیچ‌گونه تأثیری در استفاده از شبکه و دریفت آگاهی‌های آن ندارد.

- جنسیت، سن، ملیت، استعداد، سواد، معلومات، تفکرات، اعتقادات، تجارب عرفانی، و...
- ریاضت، ورزش، نوع تغذیه و...
- سعی، کوشش، تلاش، اراده، تقلا و...





@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

بخش عمومی اساتید عرفان حلقه _____ ۵۱

۱۰. اصل

هر انسانی صرف نظر از نژاد، دین و ملت، خواهان تحول و کمال‌پذیر بوده، می‌تواند در صراط مستقیم قرار بگیرد.

۱۰. اصل

نظر به این که شعور الهی نیاز به هیچ مکملی ندارد، لذا چیزی تحت هر نام و عنوان، قابل اضافه کردن به آن نبوده و این موضوع به راحتی قابل اثبات می‌باشد؛ چرا که با حذف عامل اضافه شده، مشاهده می‌شود که حلقه وحدت همچنان عمل می‌نماید و این خود رسوا کننده بدعتگذاران و متقلبان خواهد بود، که در دل این رابطه برای تشخیص حق از باطل وجود دارد. در این رابطه هیچ گونه بدعت پذیرفته نیست و فقط نشان دهنده میل فرد به خودنمایی و مطرح نمودن خود می‌باشد.



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe

• اصل: در عرفان کیهانی (حلقه)، عوامل انسانی، خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توان‌های فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریاقت‌های ماورایی ندارند. بنابراین، موارد زیر هیچ‌گونه تأثیری در استفاده از حلقه‌های عرفان کیهانی (حلقه) و کمال‌پذیری انسان ندارد:

→ سن، جنسیت، نژاد و ملیت، استعداد، میزان تحصیلات، معلومات، نوع تفکرات، اعتقادات و...

- ریاضت، ورزش، نوع تغذیه و...
 - تیپ (مورفولوژی - تیپ‌شناسی) ساختاری افراد مانند تیپ دموی، بلغمی، سوداوی و صفراوی و یا تیپ‌های واتا، پیتا، کافا و همچنین تیپ‌های اندومورفی، مزو مورفی، اکتو مورفی و...
 - قیافه‌ی افراد از نظر قیافه شناسی
 - سعی، کوشش، تلاش، اراده، تقلا و...
 - تخیل، تصور و تجسم، ذکر و ملئتره، ترسیم نماد و سمبل، تلقین و تکرار، تمرکز و...
 - علم اعداد، موقعیت ستارگان، سال و ماه تولد افراد و...
 در نتیجه، هر انسانی در هر گوشه‌ی دنیا می‌تواند تحول پذیر بوده و جویای کمال باشد.

• اصل: فرادرمانی دیگران کمک به درمان خود خواهد شد.
 • اصل: فرادرمانی در مورد گیاهان و حیوانات نیز موثر است.
 • توصیه‌ی مهم: پس از هر نوع بهره‌برداری از شبکه شعور کیهانی، بهتر است شکرگذاری به درگاه خداوند را قراموش نکنیم.
 آنچه که دانستن آن به بیمار کمک می‌کند:
 - تسلیم و شاهد شدن در کلیه‌ی موارد و عدم انجام هر کاری مانند تخیل، تصور، ادای ذکر و مانتره، خود هیپنوتیزم، ترسیم سمبل و نماد و...





@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

نتیجه‌ی انتخاب هدایت یا ضلالت، دست می‌یابد. (البته، بازتاب هریک از آثار او بر مبنای وسع وی خواهد بود).

بنابراین، می‌توان گفت که رحمانیت و رحیمیت خداوند هم در آفرینش و معاد (بازگشت) همه‌ی موجودات و هم در روزی رسانی به انسان نقش دارد. یعنی، از یک طرف، وجود و بقای هر چیز ناشی از رحمانیت خداوند و بازگشت آن به سوی مبدأ، نتیجه‌ی رحیمیت او است و از طرف دیگر، نوعی روزی رسانی بازتابی (حتمی) در هر لحظه از زندگی انسان وجود دارد که ناشی از رحیمیت خداوند است و نوعی روزی رسانی غیر بازتابی (انتخابی) در هر اتصال و ارتباط او با خدا تحقق دارد که نتیجه‌ی رحمانیت او به شمار می‌رود.

به بیان دیگر، همان‌طور که رحیمیت خداوند علاوه بر ایفای نقش بازگرداندن به سوی مبدأ هستی (بازدهش)، نتیجه‌ی اشتیاق هرکسی را به‌طور حتمی به او منعکس می‌کند، رحمانیت خداوند نیز علاوه بر ایفای نقش وجودبخشی (دهش)، روزی آسمانی هر صاحب‌اتصال را بر اساس نوع درخواست او جاری می‌کند.

یکی از ویژگی‌های رحمانیت خداوند در نقش روزی رسانی آسمانی این است که می‌تواند برای همه جاری باشد و هیچ‌کدام از خصوصیات فردی اعم از سن، جنس، نژاد، ملیت، مذهب، اعتقادات، تحصیلات، اخلاق و ... بر آن تاثیرگذار نیست. بنابراین، بهره‌مندی از نتایج اتصال و ارتباط با خداوند برای هر کسی امکان‌پذیر است و کسی که در این اتصال قرار بگیرد، از رحمت فراگیر او بی‌نصیب نخواهد بود.

بیا که دوش به مستی سروش عالم غیب نوید داد که عام است فیض رحمت او

«حافظ»



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe



@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad

احساس‌های مربوط به آن را سانسور می‌کند. در واقع این نرم‌افزار این‌گونه برنامه‌ریزی شده است که خارج از عقل، علم و واقعیت هیچ‌چیز دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد و به این دلیل که فرا درمانی، برای بیمار به هیچ‌وجه توجیه علمی و عقلانی ندارد؛ در نتیجه، نرم‌افزار ناخودآگاهی اجازه‌ی ورود اطلاعات مربوط به آن را نداده و در مقابل آن ایجاد قفل ذهنی می‌کند و شکسته شدن این قفل ممکن است، مدتی زمان لازم داشته باشد.

- عدم حضور در حلقه‌ی فرا درمانی، بی‌طرف نبودن و داشتن موضع‌گیری منفی و احساس تمسخر نسبت به آن و...

تبصوه: غیر از مورد آخر، عدم احساس اسکن و ارتباط، تأثیری در فرا درمانگری و فرا درمانگری ندارد.

تبصوه: فرا درمانی، انرژی درمانی (نیرو درمانی) نیست، زیرا انرژی درمانی متکی به حوزه‌ی پولاریتی بدن درمانگر است در حالی که فرا درمانی به شبکه‌ی شعور کیهانی متکی است. حوزه‌ی پولاریتی را همه‌ی انسان‌ها دارند ولی در بعضی از افراد قوی‌تر از سایرین است. «انرژی درمانی» جزء بسیار کوچکی از «فرا درمانی» است. لازم است که فرا درمانگران به آن توجه کافی داشته باشند تا معرفی شبکه‌ی شعور کیهانی به بهترین نحوی انجام شود.

• اصل: در یک زمان تعدادی فرا درمانگر می‌توانند روی یک فرا درمانگیر، فعالیت فرا درمانی انجام دهند و همچنین تعدادی فرا درمانگیر می‌توانند در یک زمان، تحت فرا درمانی یک فرا درمانگر قرار بگیرند. نتایج حاصله مشابه بوده و تأثیری در نتیجه ندارد. در ضمن با توجه به این که درمان توسط شعور کیهانی انجام می‌شود، هیچ فرقی بین فرا درمانگران وجود ندارد.

• اصل: داشتن ایمان و اعتقاد برای حضور در حلقه‌ی وحدت لازم نیست و تنها شرط لازم، شاهد بودن است.

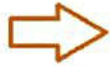


انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe

تمام مسئله را دنبال کنیم و دعایمان این باشد که منشاء خیر و برکت ، برکت اینجا همان آگاهی برکت است ، بهترین برکت ، مهمترین برکت همین آگاهی است.



سؤال (۵۳) : این آقا به عرفان اسلامی اشاره کردند ، می‌خواستم این نکته را یاد آور شوم که عرفان به هیچ دین و مذهب تعلق ندارد درست مثل ریاضیات می‌ماند اینطوری نیست که من یک دایره‌ای بکشم بگویم آقا این دایره اسلامی است چون برگزینی را من ساختم ، این است که عرفان جهانی است .

جواب : بله انسان و عرفان این مطلب هست ، انسان با دو پله سر و کار دارد ، پله عقل و پله عشق ؛ پله عشق گفتیم چیه ؟ عرفان است ، عرفان از انسان جدا نیست و توضیح دادیم تعریفی که ما از عرفان داریم بررسی بخش کیفی وجود انسان می‌شود عرفان ، بخشی کیفیتی وجود انسان گفتیم یک کارمندی می‌آید سرکار ، کارش را میزند ، یک کارمند دیگر هم این کار را می‌کند ، فیزیکال ، جفتشان یک کار را کردند ، اما کدامشان با دلشان می‌آیند ، کدامشان زوری می‌آیند ، این بررسی‌اش به کمی مربوط می‌شود ، در عرفان می‌گوئیم این دلسوزانه کار می‌کند ، این عاشق کارش است ، عاشق خدمت به مردم است ، این عرفان است ، انسان از عرفان جدا نیست ، اما بیان عرفانست که ملیت‌ها را جدا می‌کند ، فرهنگ هر ملتی با زبان و واژه‌های خاصی در دنیای عرفان خو کرده و در روح جمعی‌اش رسوخ کرده است ، الآن ما در ایران به محض اینکه می‌شویم می ، ساقی ، ساغر ، مطرب و باده ، روحمان شاد می‌شود ، حتی کسانی که سواد ندارند ، کسانی که نمی‌دانند ماجرا از چه قرار است روحشان شاد می‌شود چرا ؟ ناخودآگاه جمعی آمده الآن دارد با ما کار می‌کند ، اما همین تعبیرات را ترجمه کنید به یک انگلیسی بگوئیم به یک آمریکائی بگوئیم همین‌ها را ترجمه کنیم به آنها بگوئیم آیا آنها همان برداشت ما را می‌کنند ؟ مسلماً نه ؛ ما می‌گوئیم رقص و مطرب برای او همین را ترجمه کنیم بگوئید (Dance) آیا او همین برداشت ما را می‌کند ؟ اصلاً امکان ندارد ، لذا ملیت‌ها مختلف با زبان‌های مختلفی با عرفان پیوند خوردند ، اگر ما یک جایی هم ممکن است بیاییم بگوئیم عرفان ایران ، منظور از عرفان ایران یعنی در ایران ، یک سرزمین است ، از ابتدا تا اینجاچه ماجراهائی طی شده پله بر می‌گردد از کجا و ماجرای اینکه در این سرزمین عرفان چه ماجرائی را طی کرده است ، آمده و ما چه چیزی داریم ، لذا همین طوری در طول تاریخ آمده آمده و الآن می‌توانیم راجع به عرفان ایران صحبت کنیم و هرچه داریم دست کنیم بگوئیم این را داریم ، دست کنیم بگوئیم آن را داریم ، و هر تعریفی در این مملکت در چارچوب زبان فارسی شده باشد زبانی که در این مملکت آمده بعد از اسلام ، قبل از اسلام همه آنها مجموعه دارائی‌های ماست و امروز در دنیا یکی از چیزهائی که همه ملل به آن می‌نازند فرهنگ‌شان است ، عرفان‌شان است ، تکنیک‌شان است ، علم و دانش و این چیزهاست ، الآن در دنیا به آن دارند می‌نازند و شده یکی از ابزارهای تبلیغاتی ملل و الآن ملت‌هائی دارند ادعای عرفان می‌کنند که تعجب می‌کنیم و نشنیده بودیم ، این یکی از مسایل حیثیتی شده است





@Halghe_Asnad

Aparat.com/Halghe_Asnad



انجمن نجات از حلقه

www.NejatazHalghe.ir

@Nejat_az_Halghe